

هئومه و سومه در اندیشه هندوان و ایرانیان باستان^۱

مریم نوابی^۲

دانشجوی دکتری ادیان و عرفان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران.

چکیده

آیین مربوط به هئومه و سومه به ترتیب، یکی از آئین‌های محوری در ایران و هند روزگار باستان بوده است. این آئین به افشردن هئومه/سومه اختصاص داشته است. آن گونه که از *اوستا* و *ریگ ودا* پیداست صورت اولیه هئومه/سومه گیاهی بود که به سبب خواص آن مورد توجه بوده است. خاصیت این گیاه موجب شد تا به تدریج آئینی خاص برای آن به وجود آید. آئین تهیه شراب هئومه/سومه با آداب و رسوم خاصی همراه بود. به قدری این آئین حرمت داشت که شراب هئومه/سومه تنها باید به دست روحانیون هر دو دین فراهم می‌شد. کم‌کم قداست این گیاه راه را برای ظهور ایزد هئومه/سومه باز کرد و به همین جهت قطعاتی از سرودهای *ریگ ودا* و *اوستا* در خطاب به این دو ایزد سروده شده است. بر طبق این قطعات، بزرگ‌ترین خویشکاری ایزد هئومه/سومه شفابخشی و بخشیدن جاودانگی است. این امر بیانگر آن است که احتمالاً خاصیت درمانی این گیاه به عنوان خویشکاری این ایزد ذکر شده است.

کلیدواژه‌ها

هئومه، سومه، *اوستا*، *ریگ ودا*، آئین قربانی.

۱. تاریخ دریافت: ۸۹/۱۰/۱ تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۲/۴

۲. پست الکترونیک: navvabim@yahoo.com

مقدمه

یکی از ویژگی‌های مشترک دین ودایی و اوستایی تقدیس گیاهی به نام سومه (هئومه در اوستا) می‌باشد. این اسم گاه برای اشاره به گیاهی خاص، عصاره و شیرۀ گیاه و گاه برای اشاره به ایزدی به همین نام به کار می‌رفته است. این گیاه به سبب خواصی که داشته برای هندوان و ایرانیان بسیار مقدس بوده است. خاصیت‌های مربوط به آن در *اوستای متأخر* و *ریگ ودا* ذکر شده است. در تقدس این گیاه همین بس که در *ریگ ودا* حدود صد و بیست سرود بدان اختصاص یافته است^۱ و تمام کتاب نهم از *ریگ ودا* خطاب به سومه پَومنه^۲ یعنی عصارۀ سومه می‌باشد و در *اوستا* نیز یشتی مخصوص به آن داریم. حضور سومه و هئومه در بسیاری از سرودهای ودایی و اوستایی می‌تواند بیانگر ارزش زیاد این گیاه باشد. شاید به دلیل مقدس بودن و ارزش والای این گیاه و خواص موجود در آن بود که ایزدی به همین نام که مانند عصارۀ این گیاه ایزدی نیروبخش و شفادهنده است پرستش می‌شده است. بنابر تقسیم‌بندی دومزیل^۳ از خدایان ودایی سومه در زمرة خدایان زمینی به‌شمار می‌رود. ولی باید توجه داشت که با توجه به سرودهای *ریگ ودا* سومه نیز مانند آگنی، زمین، فضای میانه و آسمان را فراگرفته است. سومۀ ودایی گیاهی است که در عین این که در کوه‌ها رشد می‌کند و با انجام آئینی شیرۀ آن گرفته و نوشیده می‌شود، همچون ماه در آسمان می‌درخشد و گاهی همچون صاعقه و آذرخش مورد خطاب قرار می‌گیرد. این گیاه به سبب جایگاه والایش نمی‌تواند در دسترس همگان قرار گیرد و تنها موبدان و برهمنان و گروه اندکی از طبقات بالای جامعه می‌توانستند نوشابه آن را بنوشند که بی‌مرگی بارزترین ارمغان آن بوده است.

سومۀ هندی و هئومۀ ایرانی، با توجه به *اوستا* و *ریگ ودا*، در عین تفاوت‌هایی که دارند از بسیاری از جهات شبیه به یکدیگرند. پرسشی که در این جا مطرح است این است که با توجه به کتاب مقدس زرتشتیان و هندوها چه ویژگی‌های مشترکی میان سومه و هئومه وجود دارد که سبب شده است محققان به اصل هندواروپایی این گیاه راه برند؟ آیا تقدیس

1. Eliade, Mircea, *A History of Religious Ideas*, Chicago, 1907, vol. 1, p. 210.

2. Soma Pavamana

3. Dumezil

این گیاه و ترتیب دادن آیینی برای آن علت خاصی داشته و اینکه چه دیدگاه‌هایی از جانب محققان در مورد جایگاه این شراب در این دو دین ارائه شده است؟

همان‌طور که در ادامه خواهد آمد قابل توجه‌ترین شباهت این گیاه در *اوستا* و *ریگ‌ودا* این است که این گیاه در سرودهای مربوط به آن با سه عنوان مورد خطاب قرار گرفته است. در این سرودها گاهی سومه و هئومه به عنوان یک گیاه خطاب شده و گاهی نیز شراب آن تقدیس و ستایش شده و از آئین مربوط به گرفتن شیره آن سخن به میان آمده است. افزون بر این، بسیاری از سرودهای *ریگ‌ودا* و *اوستا* در ستایش ایزد سومه و هئومه می‌باشد.

در این مقاله سعی شده است این سه صورت سومه و هئومه بنا بر *اوستا* و *ریگ‌ودا* بررسی شود.

گیاه سومه و هئومه

سومه از ریشه *SU* به معنای «فشردن و بیرون کشیدن» است و در اصطلاح شیره‌ای است که از گیاهی به همین نام گرفته می‌شود. همتای *اوستایی* سومه، هئومه به معنای «آنچه فشرده می‌شود» می‌باشد. به جهت ویژگی‌های مشترکی که در *اوستا* و *ریگ‌ودا* به این گیاه نسبت داده می‌شود محققان بر این امر اتفاق نظر دارند که در میان هند و ایرانیان یعنی زمانی قبل از جدایی آنها از یکدیگر گیاهی با همان ویژگی‌های مذکور در *اوستا* و *ریگ‌ودا* وجود داشته است. اما درباره این که آیا این گیاه به همین نام بوده یا نام دیگری داشته است قطعیتی وجود ندارد. کوشش برای مشخص کردن ریشه سومه و هئومه به بیش از دو قرن پیش باز می‌گردد^۱، زمانی که محققان غربی برای نخستین بار با این دو اصطلاح آشنا شدند. از آن به بعد نظریات متفاوتی در تعیین هویت این گیاه، یعنی گیاه ناشناخته‌ای که در دوران بعد در هند و ایران گیاه یا گیاهان دیگری جایگزین آن شده بودند، ارائه گردید. حدس‌هایی که محققان درباره این گیاه می‌زنند بر مبنای ویژگی‌های آن از جمله خاصیت‌های دارویی، توهم‌زایی و نیروبخشی این گیاه است که به طور مکرر در *اوستا* و به‌خصوص *ریگ‌ودا* به آن اشاره شده است. خاصیت توهم‌زایی این گیاه که در *ریگ‌ودا*

1. Tailieu, Dieter, "Homa", *Encyclopedia Iranica*, Ehsan Yarshater (ed.), New York, 2003, vol.11, p. 662.

(۱۱۹:۱۰)^۱ آمده سبب شده است که محققانی مانند نیبرگ^۲ سومه را بنگ بدانند^۳ و برخی دیگر با این که هیچ گونه اشاره‌ای به تخمیر شدن آن در ریگ ود/ و اوستا نشده است آن را گیاهی با خاصیت الکلی ذکر کنند. از جمله نظریات دیگر در رابطه با این گیاه نظریه^۴ واسون^۴ است که اصل این گیاه را قارچی سمی به نام آمانیتا موسکاریکا^۵ می‌داند که خاصیت توهم زایی دارد.^۶ البته این نظریه^۶ او مخالفانی هم داشته است، چراکه گفته شده از خواص این قارچ سمی، خاصیت بی‌حسی آن است و این برخلاف شواهد موجود در اوستا و ریگ‌ود/ است که سومه و هئومه در سرودهای مربوط به آن نیروبخش و مخصوصاً تحریک کننده جنگجویان توصیف شده است. بویس^۷ در عین این که اظهار می‌دارد اصل این گیاه ناشناخته است، آن را شبیه به گیاه افدرا^۸ می‌داند که از جمله خواص آن نیروبخشی است و در دوره متأخر، زرتشتیان ایران از آن استفاده می‌کردند. بویس در تأیید نظر خود به اوستا، یسنا ۱۰:۱۲، ارجاع می‌دهد که در آنجا چنین آمده است: «از آن پس، پرشیره و گوناگون و زردرنگ در کوه‌ها می‌روی». به باور بویس، احتمال دارد این عبارت که در آن به گوناگون بودن گیاه هئومه اشاره شده است، با انواع گوناگون افدرا قابل تطبیق باشد.^۹ فالک^{۱۰} نیز خاصیت هئومه و سومه را توهم زایی نمی‌داند بلکه به نظر او خاصیت آنها همچون خاصیت افدرا ایجاد آگاهی و هوشیاری است.^{۱۱}

۱. «آیا من سومه نوشیده‌ام؟ من با قامت بر آسمان مسلطم، بر زمین پهناور مسلطم، من به این زمین ضربه‌های بزرگ خواهم زد، من یکی از باله‌ایم را در آسمان و دیگری را در زمین پهن می‌کنم، من بزرگ هستم، بزرگ، من خودم را تا ابرها بالا کشیده‌ام، آیا من سومه نوشیده‌ام؟ (ریگ ود، ۱۰:۱۱۹)

2. Nyberg

3. Tailieu, Dieter, p. 660.

4. Wasson

5. Amanita Muscaria

6. Tailieu, Dieter, p. 660.

7. Boyce

8. Ephedra

۹. بویس، مری، تاریخ کیش زرتشت، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران، انتشارات توس، ۱۳۷۵، ج ۱،

ص ۲۲۱.

10. Falk

11. Tailieu, Dieter, p. 661.

محققى به نام هوتوم شیندلر^۱ با توجه به گیاهی که پارسیان در یزد و کرمان از آن شیریه به دست می‌آورند گزارشی از این گیاه ارائه داده است. براساس گزارش او این گیاه همان هوم اوستایی است که چهار فوت ارتفاع دارد، ساقه‌های آن گرد و آبدار است، سفید رنگ و دارای خط‌هایی به رنگ قهوه‌ای روشن است. عصاره آن آبکی و رنگ آن سفید مایل به سبز است. شیرین است و اگر چند روز بماند ترش می‌شود. ماکس مولر گیاه سومه را گیاه نیلوفری ترش و آبدار که باعث سستی و حالت تهوع می‌شود توصیف می‌کند. البته درباره بوی زنده این گیاه در *براهمنه‌ها* (کاندای چهارم، براهمنه سوم ۸) مطالبی آمده است.^۲

مطابق با آنچه در ریگ ودا/ ۸: ۱۰۰: ۴: ۲۶ آمده است این گیاه را عقابی از آسمان به زمین آورد و در کوه‌ها پرورش یافت. در کتاب دهم از ریگ ودا/ کوهی که در آن این گیاه رشد می‌کند موجوت^۳ نامیده شده است. در *اوستا* (یسنا ۱۰: ۴) هم محل رشد این گیاه در کوه‌ها ذکر شده است. مطابق دینکرد هفتم نام این کوه آسوند است.^۴

شراب سومه و هئومه

گذشته از تمام فرضیات محققان متأخر درباره اصل این گیاه، آن چه که در ارتباط با این گیاه در هند و ایران باستان از جایگاه خاصی برخوردار بوده، تهیه شیریه و عصاره آن است که در این دو سرزمین به صورت آئینی انجام می‌گرفته است. آیین تهیه شراب هئومه و سومه به همراه آئین قربانی از مهمترین آئین‌ها در میان هند و ایرانیان بوده است. تصور گروهی از پژوهشگران بر این است که سومه هندی و هئومه ایرانی، صورت هند و ایرانی نوشابه‌ای است که خاصیت آن ایجاد بی‌مرگی و جاودانگی بوده است و احتمالاً جایگزین نوشیدنی هند و اروپایی می^۵ شده است.^۶

1. Houttum Schindler
2. Eggeling, Julius, "Introduction", *The Sacred Books of the East, Śatapatha-Brāhmaṇa*, Max Müller (ed.), Oxford, 1882, vol. 26, p. xxv.
3. Mujavat

۶. در منابع پهلوی جای این کوه در آذربایجان ذکر شده است (آموزگار، ژاله، تفضلی، احمد، *اسطوره زندگی زرتشت*، تهران، نشر چشمه، ۱۳۸۶، ص ۶۲).

5. Madhu
6. Eliade, Mircea, p. 211.

قدمت این آئین مطابق با/اوستا به زمان پیش از زرتشت باز می‌گردد. در یسنای نهم آمده است که ویوتگهان^۱ اولین کسی بود که شیره گیاه هئومه را گرفت.^۲ به قدری در هر دو سنت بر آئین تهیه شیره این گیاه تأکید شده است که گمان می‌رود تأثیر این گیاه با تمام ویژگی‌های منسوب به آن بدون انجام این آئین تحقق نمی‌یافت. به همین جهت موبدان و برهمنان در حین انجام این آئین می‌کوشیدند که آن را به درستی تمام انجام دهند تا از اثرات آن بهره‌مند شوند. خاصیت اصلی این گیاه ایجاد وجد است که با خوردن عصاره آن به دست می‌آید. در/اوستا و ریگ ودا یکی از خواسته‌های قربانی‌کننده مستی و نشاط است که مکرر بدان اشاره شده است. بنابراین باید برای بهره بردن از خواص آن این آئین به نحو احسن انجام شود.

توصیف سومه در وداها مفصل‌تر و پیچیده‌تر از توصیف هئومه در/اوستا است. در وداها سومه در بعضی از سرودها به صورت باران، ماه، خورشید، رعد و برق و گاونر ظاهر می‌شود اما در بیشتر سرودهای آن، خود گیاه سومه و شیره آن مورد خطاب قرار می‌گیرد. با مطالعه سرودهای ریگ ودا در می‌یابیم که آئین گرفتن عصاره این گیاه بسیار مهم بوده است.

در وداها سومه در درجه اول با دئوها^۳ در ارتباط است تا با دیگر خدایان. ایندیره^۴ ایزدی است که بیش از همه ایزدان دیگر عصاره آن را می‌نوشتد و برای جنگیدن با اهریمن و دیو خشکسالی نیرو می‌گیرد. در کتاب دوم ریگ ودا (۳:۴۱) ایندیره و وایو،^۵ که هر دو در زمره دئوها هستند، تنها خدایانی هستند که عصاره خالص سومه را می‌نوشتند، در حالی که دیگر ایزدان مانند میتره^۶ و ورونه^۷ شیره هئومه را به صورت مخلوط و همراه با شیر می‌نوشتند. البته ایندیره و وایو از جمله خدایانی هستند که زرتشت در گاتاها با آنها مخالفت کرد و آنها را تا حد یک دیو تنزل داد. برخلاف/اوستای متأخر که در آن بر آئین هئومه

1. Vivanhaunt

. بویس، مری، تاریخ کیش زرتشت، ص ۱۳۹.

3. Deva
4. Indra
5. Vāyu
6. Mitra
7. Varuna

تأکید زیادی شده است، در *گائاه* زرتشت به هئومه و آئین آن ظاهراً روی خوش نشان نمی‌دهد و در چندین بند به این آئین تاخته و آن را طرد کرده و مربوط به کرپن‌ها، که از دشمنان زرتشت بودند، دانسته است. در یسنای ۱۰:۴۸ چنین آمده است: «ای مزدا کی پلیدی این می را برخواهی انداخت که از روی عناد و کینه‌توزی، کاهنان کافر و فرمانروایان خبیث با آن مردم را فریب می‌دهند.» همان گونه که در این بند ملاحظه می‌شود زرتشت عبارت توهین‌آمیزی را برای این شراب به کار می‌برد. با در نظر داشتن این موضوع که این آئین با ایندیره، که از دیدگاه زرتشت در زمره دیوان بوده، ارتباط داشته است می‌توان به سبب بدگمانی زرتشت نسبت به این آئین پی‌برد. زنر^۱ در بررسی‌های خود درباره این آئین این‌گونه نتیجه گرفته است که از آنجا که این آئین قبل از زرتشت میان کسانی که بیشتر دیوپرست بودند مرسوم بوده است، زرتشت پس از روی کار آمدن نه تنها با دیوپرستان بلکه با آئین آنها نیز مخالفت کرد.^۲

هرچند که از ظاهر متن *گائاه* چیزی جز مخالفت زرتشت با این آئین به دست نمی‌آید، ولی بسیاری از محققان مخالفت زرتشت با اصل این آئین را نمی‌پذیرند. علتی که این گروه از پژوهشگران بیان می‌کنند این است که با توجه به جایگاه این آئین در میان موبدان پس از دوره زرتشت و ستایش مکرر آن در *اوستای متأخر*، بعید به نظر می‌رسد که زرتشت با اصل این آئین مخالفت کرده باشد، چرا که دور از ذهن است کسی ادعای پیروی از پیامبری را داشته باشد؛ ولی در عین حال آئینی که آن پیامبر سخت به آن تاخته است را دوباره زنده کند. حتی آنها تا آنجا پیش می‌روند که ظهور ایزدان دیگر در کنار اهورامزدا در *اوستای متأخر* را - که زرتشت در *گائاه* آنها را کنار گذاشته بود- به دلیل عدم مخالفت آشکار زرتشت با آنها می‌دانند. بر همین اساس، زنر عقیده دارد که زرتشت یزش هوم را محکوم نمی‌کند بلکه مراسم عجیب و غریبی را که با آن همراه بوده است را محکوم می‌سازد. گفته می‌شود در آن آئین به شکل بی‌رحمانه‌ای گاو را قربانی می‌کردند و گیاه هوم را می‌سوزانیده‌اند. زرتشت با خوردن شیره خالص هوم، آنگونه که ایندیره آن را می‌نوشید و مست می‌شد، مخالفت کرد و با اصل این آئین مخالف نبود.^۳ به همین دلیل، او آئین جدیدی

1. Zaehner

۲. زنر، آر. سی، *طلوع و غروب زرتشتی‌گری*، ترجمه همایون قادری، تهران، نشر فکر روز، ۱۳۷۵، ص ۱۱۷.

۳. زنر، آر. سی، ص ۱۲۱.

که عبارت از مخلوط کردن شیرۀ این گیاه با شیر و آب بود را پایه‌ریزی کرد. بنابراین *اوستای متأخر* زرتشت برای اولین بار زمانی بهمن امشاسپند را ملاقات کرد که در حال آوردن آب برای تهیه عصارۀ هئومه از رودخانه دایتی بود. در این رابطه، گروهی بر این باورند که از آن جا که شیرۀ خالص این گیاه محرک جنگ بود و زرتشت با هرگونه جنگ و خونریزی مخالفت می‌کرد، آن را منسوخ کرد. بویس نیز عقیده دارد آنچه را که زرتشت نهی کرده نوعی داروی مخدر است نه گیاه هئومه.^۱

برخلاف *گاتاها* در *اوستای متأخر* هوم یکی از محبوبترین گیاهان، نوشیدنی‌ها و ایزدان است. سه یسنای نهم، دهم، یازدهم، و یشتی به نام «هوم یشت» که گفته شده متعلق به دوران پیش از زرتشت است^۲، به آن اختصاص یافته است. برطبق *اوستای متأخر* زرتشت در سن سی سالگی زمانی برای نخستین بار با بهمن امشاسپند روبه‌رو می‌شود که برای تهیه شیرۀ هئومه به رودخانه دایتی رفته بود تا آب بیاورد. همچنین گفته می‌شود سوشیانس نیز در آخرالزمان از آمیزۀ چربی گاو هدیوش با گیاه هوم نوشابۀ بی‌مرگی را درست خواهد کرد و مردم با آن جاودانه خواهند شد. به سبب رویکرد دوگانه *اوستای کهن* و *اوستای متأخر* نسبت به هوم، زهر برای هئومه دو وجه قائل است. به باور او هئومه نیز همچون وایو دو وجه نیک و بد دارد. وجه اصلی هئومه، هئومه نیک است که بی‌مرگی می‌آورد و وجه دیگر آن هئومه بد است که صفت آن زئیری^۳ است. بنابراین عقیده او این صفت (سنسکریت Hair) که متداولترین لقب سومه در *وداها* می‌باشد و به معنای زرین و زرد است او را در *اوستا* به یک دیو تبدیل کرده است. بر همین اساس زهر، زریز را که در رده کماله دیوان *اوستایی* است همان هوم می‌داند.^۴ در حالی که زهر زئیری را وجه دیوی هئومه در نظر می‌گیرد، مدی^۵ هئومه را با این صفت هئومه قهرمان می‌نامد. مدی چهار نوع هئومه را در *اوستا* یافته است: ۱- هئومه‌ای که برای اطمینان خاطر از او یاری می‌طلبیم و در یسنای نهم، دهم و

۱. بویس، مری، تاریخ کیش زرتشت، ص ۲۹۶.

۲. هینلز، جان، شناخت اساطیر ایران، ترجمۀ ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران، نشر چشمه، ۱۳۸۶، ص ۲۱.

3. Zairi

۴. زهر، آر. سی، ص ۱۲۲.

5. Mody

یازدهم از آن سخن به میان آمده است. صفت این هئومه به عنوان یک ایزد دورئوشه^۱ به معنای دور کننده مرگ است؛ ۲- هئومه به عنوان گیاه است که صفت آن فرشمی^۲ به معنای گیتی افزا است و در یشت‌ها به طور مکرر ذکر آن آمده است؛ ۳- هئومه قهرمان که با صفت زرین آمده است؛ ۴- هئومه فروهر پاکان که با صفت خواننه^۳ همراه است.^۴

به هر حال، همانطور که بیشتر بیان شد بسیاری از سرودهای ریگ ودا و اوستا به این نوشیدنی جادویی اختصاص یافته است. در ریگ ودا/ ۴۸:۸ آمده است که: «ما سومه نوشیده‌ایم، ما جادوانه شده‌ایم، ما به نور رسیده‌ایم، ما خدایان رایافته‌ایم. ای جاودان اکنون دشمن با ما چه می‌تواند بکند؟» بیشترین خاصیت این نوشیدنی بخشیدن زندگی جاودان است که آرزوی نوشنده آن می‌باشد. این شراب در اندیشه مردم هند به اندازه‌ای تأثیرگذار بوده است که محققان کوشش هندوان برای ایجاد وسایلی برای رسیدن به جاودانگی، پس از ناپدید شدن این گیاه را، به سبب تأثیر سومه بر ذهن آنان می‌دانند.^۵ برطبق این نظر، تنوع روش‌هایی مانند یوگا، مراقبه و ریاضت‌های سخت در هند نشانه‌ای از تداوم سنت سومه در تفکر هندوان می‌باشد.

موضوع دیگری که در وداها و اوستا مطرح شده است، موضوع قربانی سومه / هئومه است. در اوستا هئومه مانند یک موبد خود را برای ایزد مهر (مهر یشت، ۸۸)، سروش، (یسنا ۱۹:۵۷) و دراوسپ (دراوسپ یشت ۱۷ و ۱۸) قربانی می‌کند. با قربانی شدن او خدایان نیرو و حیات تازه پیدا می‌کنند. درواسپ با قربانی شدن او قدرت نبرد با افراسیاب را پیدا می‌کند. ایندره نیز به جنگ با ورتیره، دیو خشکسالی، می‌رود.

قربانی هوم در ایران در اصل نمادی از درخت اسطوره‌ای گوکرن^۶ یا هوم سفید است. بنا بر اوستا این درخت در دریای فراخکرد در جنوب کوه هرا قرار دارد و دور تا دور آن را گیاهان دارویی فرا گرفته است. در هنگام بازسازی جهان به واسطه عصاره این درخت است که همه انسان‌ها جاودانه می‌شوند همانگونه که قربانی او در این جهان باعث حیات

-
1. Duraosha
 2. Frashmi
 3. Khvarenangha
 4. Modi, Jivaj Jamshedji, "Homa", *Encyclopedia of Religion and Ethics*, James Hastings (ed.), Edinburg, New York, 1980, vol.6, p. 506.
 5. Eliade, Mircea, p. 212.
 6. Geokerana

می‌گردد. در بندهشن (۱۱) جایگاه ایزد هوم در این درخت ذکر شده است. به طور مشابه، بنا بر اعتقادات مردم هند نیز درختی به نام جمبو^۱ وجود دارد که در جنوب کوه مرو روئیده و این درخت با سومه، جاودانگی و گیاهان دارویی ارتباط دارد.^۲ در یچورودا توصیف قربانی سومه به دست خدایان به طور مکرر آمده است. این گونه تصور می‌شود که در آئین قربانی سومه ردپایی از یک اسطوره وجود دارد که بر طبق آن خدایان انسان اولیه را قربانی می‌کردند. این قربانی اولیه به دست خدایان به نظر می‌رسد در قربانی گیاه سومه تکرار می‌شود.^۳ قربانی این گیاه باعث حیات طولانی و جاودان می‌گردد و به طور نمادین این گیاه قربانی می‌شود تا موجودات دیگر حیات یابند.

از خواص دیگر سومه شفابخشی آن است که احتمالاً شفابخشی گواه بر خاصیت دارویی آن است. در ریگ ودا (۷:۳۵،۱) سومه بخشنده سلامتی، قدرت و آرامش است. با نوشیدن شراب این گیاه، جنگجویان قدرت کافی برای نبرد را پیدا می‌کنند. بنابراین شته‌پته‌براهمنه سومه با دیگر نوشابه‌ها تفاوت دارد. سومه درستی، سعادت و روشنایی به‌بار می‌آورد در حالی که ره آورد سورا، نوشابه تخمیری، نادرستی و بدبختی است.^۴ در اوستا (یسنا ۱۰:۸) نیز هوم با نوشابه‌های دیگر متفاوت است چرا که: «همه می‌های دیگر را خشم خونین درفش همراه است، اما می‌هوم، رامش آشه را در پی دارد و سرخوشی آن تن را سبک می‌کند.»

آئین این گیاه مقدس آئینی کاملاً نمادین است. این آئین با بارش باران و تابش خورشید پیوستگی دارد، به این علت که قربانی این گیاه در این مراسم همچون باران و خورشید به حیات انسانی، حیوانی و گیاهی رونق می‌بخشد. به همین سبب در اوستا آن با لقب گیتی‌افزا مورد خطاب قرار می‌گیرد و در ریگ‌ودا مانند خورشید نوردهنده و همچون باران برکت‌بخش توصیف می‌شود.

بنابر گزارشات، آئین هوم که همراه با آئین قربانی گاو بخش اصلی آئین یسنا را شکل می‌دهند، چهار مرحله دارد: ۱- آماده‌سازی مقدماتی؛ ۲- آئین تطهیر یا تقدیس شاخه هوم؛

1. Jambo

۲. بويس، مری، تاریخ کیش زرتشت، ص ۱۹۳.

3. Eliade, Mircea, pp. 210-211.

۴. بويس، مری، تاریخ کیش زرتشت، ص ۲۲۲.

۳- مراسم آماده کردن و گرفتن عصاره هوم؛ ۴- مراسم نوشیدن عصاره هوم.^۱ با این که این آئین ریشه هند و ایرانی دارد، اما نحوه اجرای آن در ایران و هند کاملاً شبیه به یکدیگر نیست. اختلاف مربوط به این آئین تا حدودی در ریگ ود/ و اوستا آمده است. از مقایسه میان ریگ ود/ و اوستا می‌توان به چند نمونه از این اختلافات پی‌برد. در حالی که در ریگ ود/ (۱۰۸:۱۷۵،۱۰) سنگ‌هایی که با آن شیرۀ سومه گرفته می‌شد ستایش می‌شوند، در اوستا (یسنا ۲:۱۰) از هاون که با آن شیرۀ گیاه هئومه گرفته می‌شده سخن به میان آمده است. در همین رابطه بویس سنت هند و ایرانی را سائیدن هئومه/ سومه در هاون می‌داند که ایرانیان آن را حفظ کرده و هندی‌ها در آن تحول ایجاد کرده‌اند.^۲ به همین ترتیب ویژگی‌های مربوط به این گیاه بنا بر دو کتاب مقدس با هم تفاوت‌هایی دارند. سومه در چندین سرود از ریگ‌ود/ با عنوان فرزند سرخ آسمان مورد خطاب قرار می‌گیرد و رنگ آن در سرودها به صورت‌های متفاوت مانند قرمز روشن، زرد کم رنگ و سبز ذکر می‌شود (ریگ ود/ ۸:۹ و ۵۷:۳،۹). اما، در اوستا این گیاه در چندین بند با لقب زرین که همان زردرنگ است مورد خطاب قرار می‌گیرد (یسنا ۲:۱۰). با توجه به این که محققان از بیست و چهار نوع سومه خبر داده‌اند می‌توان احتمال داد که تنوع رنگ‌های عصاره سومه در ریگ ود/ به این جهت باشد که در تهیه شیرۀ این گیاه انواع گوناگون سومه به کار می‌رفته است. از جمله تفاوت‌های دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد الکی است که موبدان و برهمنان در تصفیه شیرۀ این گیاه به کار می‌بردند. بنابر کتاب نهم ریگ ود/ این الک در هند از پارچه پشمی و بنا بر اوستا در ایران از موی گاو، و احتمالاً گاو قربانی شده، بوده است.

آئین تهیه عصاره سومه در هند به صورت آئین سری که تنها برهمنان در آن شرکت می‌کردند انجام می‌گرفت. برهمنان شب هنگام و در پرتو نور ماه به کوه‌هایی که محل پرورش این گیاه بود می‌رفتند و این گیاه را تهیه می‌کردند و سپس با انجام آئین خاص شیرۀ آن را می‌گرفتند. گزارشات محققان حاکی از این است که مراحل انجام این مناسک به طرز نمادین بوده است. *دداستان دینیک* (۴۸: ۳۰-۳۳) مطالبی راجع به نمادین بودن این آئین ارائه می‌دهد. بنابر گزارش این کتاب هوم را در چهار نوبت می‌سایند که نمادی از

1. Modi, Jivaj Jamshedji, p. 510.

۲. بویس، مری، *تاریخ کیش زرتشت*، ص ۲۲۳.

آمدن زرتشت و سه پسر منجی او می‌باشد و آب تقدیس شده را در سه نوبت روی آن می‌ریزند که نمادی از سه مرحله ایجاد باران است، یعنی تبخیر، تشکیل ابر و در هم فشردگی آن به صورت باران. در طول این مناسک سه بار به هاون می‌کوبند که نمادی برای حضور اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک است. در این گزارش نمادین سه عنصر اسطوره‌ای (آمدن زرتشت و سه پسر او)، کیهانی (سه مرحله تشکیل باران) و اخلاقی (اندیشه، گفتار و کردار نیک) به همراه هم آمده است. زردی شیرۀ هئومه به اشعه خورشید و روانی آن به ریزش باران تشبیه می‌شود. به همین ترتیب، در هند نیز آئین سومه به طرز نمادینی انجام می‌شد با این تفاوت که در ریگ ودا ارتباط سومه بیشتر با مسائل کیهانی است تا مسائل اخلاقی و اسطوره‌ای. در ریگ ودا (۷:۴۸،۸) شیرۀ گیاه سومه در درخشندگی به سوریا که خدای خورشید است تشبیه می‌شود همچنان که در سرود دیگری (۲۰:۹) شیرۀ این گیاه به بارانی برکت بخش و جای دیگر (۲:۵،۹) صدای شرشر عصارۀ سومه به نعرۀ گاو تشبیه شده است. از این قبیل تشبیهات در ریگ ودا فراوان است.

همان گونه که در کتاب نهم ریگ ودا پَوَمَنَه که عصارۀ سومه است مورد ستایش قرار می‌گیرد، در اوستا نیز در کنار هوم از پراهوم سخن گفته شده است. پراهوم همان آمیزۀ عصارۀ هئومه با شیر و آب و گاهی به جای شیر، عصارۀ درخت انار می‌باشد. در آئین هئومه از دو نوع پراهوم سخن رفته است که طرز تهیه آن تا حدی با هم متفاوت است.^۱ در هند عصارۀ سومه با شیر، کره و جو مخلوط می‌شد.^۲ بر طبق گزارش محققان، برهمنان عصارۀ آن را به آتش می‌ریختند تا از راه دود، آن را به آسمان که جایگاه خدایان است بفرستند و بقایای آن را برهمنان به جهت خاصیت زیادی که داشت می‌نوشیدند. در مینوی‌نبرد (۱۰۴) و در گزیده‌های زادسپرم (۱۹) از ریختن شیرۀ هوم در آب سخن به میان آمده است. پس از این که مقداری از شیرۀ هوم به آب ریخته می‌شد، قدری از باقی‌مانده آن را موبدان می‌نوشیدند و بقیۀ آن را به نوزادان یا افراد در حال مرگ می‌دادند و اگر باز اضافه

1. Boyce, Mary, "Homa", *Encyclopedia Iranica*, Ehsan Yarshater (ed.), New York, 2003, vol.11, p. 663.

2. Hopkins, E. Washburn, "Soma", *Encyclopedia of Religion and Ethics*, James Hastings (ed.), Edinburg, New York, 1980, vol.11, p. 686.

می‌آمد آن را پای درخت میوه می‌ریختند.^۱ در *شایست ناشایست* (۱۶:۱۰) نیز می‌خوانیم که وقتی بچه‌ای به دنیا می‌آمد از شیرۀ هوم به او می‌دادند.

به جهت تقدیس و ستایش این گیاه در *اوستا* و *ریگ ودا*، به تدریج اسطوره‌هایی پیرامون این گیاه پدیدار گشت. در کتاب *هفتم دنیگرد* (۱۴) که به موضوع اسطوره زندگی زرتشت اختصاص دارد، آمده است که فروهر زرتشت از طریق گیاه هوم به پدر و مادر او منتقل شد. بنابر این اسطوره امشاسپندان ساقه‌ای از هوم بسیار خوش رنگ درست کردند و فروهر زرتشت را در آن جای دادند. جایگاه اصلی این ساقه مانند همتای هندی آن در آسمان‌ها و در روشنی بی‌پایان بوده است. امشاسپندان این گیاه را از آنجا به کوه آسونند بردند و در آنجا مرغانی را که مار تخم آنها را خورده بود تحریک کردند تا این گیاه را به آشیانه خود ببرند. سپس پوروشسب، پدر زرتشت، این گیاه را بر می‌دارد و از آن عصاره‌ای تهیه می‌کند و خودش به همراه همسرش از آن می‌نوشد. اسطوره‌ای دیگر در همین کتاب (۸۵) پذیرش دین توسط گشتاسب را به واسطه نوشیدن شراب هوم توصیف می‌کند.

در مجموع، باکنار هم گذاشتن تمام خصوصیات آئین سومه / هئومه می‌توان به ریشه مشترک این دو آئین پی برد. بعضی از محققان مانند راداکریشنان به دلایلی این آئین را مشابه با آئین دیونیسیوس یونانی می‌دانند. لازم به ذکر است که از جمله خصوصیات مشترک این دو آئین، سری بودن تهیه گیاه سومه و شراب آن در هند و سری بودن آئین دیونیسیوس در یونان می‌باشد.^۲

ایزد سومه وهئومه

با توجه به یسنای نهم، دهم و یازدهم که به هوم اختصاص یافته است مشخص می‌شود که هوم در این سه یسن هم به صورت گیاه و هم به صورت ایزد مورد خطاب واقع شده است. به‌طور مشابه سومه در *ریگ ودا* نیز به صورت گیاه و ایزد ظاهر می‌شود. راداکریشنان توجه به سومه را، به عنوان گیاه، مقدم بر ایزد بودن آن می‌داند. وی بر این عقیده است که آریایی‌های نخستین، که تمام توجهشان به پرستش نیروهای طبیعی معطوف بود، خوردن شیرۀ این گیاه را موجب ارتقا روح می‌پنداشتند و نیرویی که از خوردن آن حاصل می‌شد را

1. Boyce, Mary, "Homa", p. 664.

2. Hopkins, E. Washburn, p. 686.

با نیروهای فراطبیعی مرتبط می‌دانستند. کم‌کم این تصور در اندیشه آنها شکل گرفت که در این شیره نیروی الهی وجود دارد که به آنها نیرویی شبیه به نیروی خدایان می‌دهد. بر همین اساس بود که مفهوم ایزد سومه به‌وجود آمد و این گیاه پادشاه گیاهان دیگر قلمداد گردید.^۱ همچنین برخی بر این باورند که پیدایش ایزد هوم در میان ایرانیان باستان، به جهت قربانی‌های مکرر برای این گیاه بوده است، یعنی در طی آئین قربانی کم‌کم این تصور پیش آمد که ایزد هوم ناظر بر این آئین است.^۲ از آن جا که بزرگترین خاصیت این گیاه درمان‌بخشی و تسکین‌دهی است بزرگترین خویشکاری ایزد آن شفا دادن، بخشیدن برکت، ثروت و عمر جاودان است.

در یسنای نهم ایزد هئومه بر زرتشت ظاهر می‌شود و از او می‌خواهد که او را مانند دیگر سوشیانت‌ها بستاید. صفتی که این ایزد با آن خود را به زرتشت معرفی می‌کند «دوردارنده مرگ» است. یعنی به عنوان ایزد بزرگترین خویشکاری او دادن زندگی جاودان به پرستندگان خود می‌باشد. در همین یسنا (۹: ۱۹-۲۰) صفات زیادی به این ایزد نسبت داده شده است. او عطا کننده زندگی درخشان، سلامتی، طول عمر و نیروی پیروزی بر دشمنان و دروغگویان است. هوم به جنگ آوران نیروی جنگی و به زنان باردار نیروی زادن فرزندان نیک و به دوشیزگان شوهر نیکو و به مؤبدان فرزاندگی عطا می‌کند (۹: ۲۳). از صفات خاصی که در یسنای نهم و دهم بدین ایزد داده شد صفت شفابخشی او می‌باشد. لازم به ذکر است با توجه به این که در *وندیاد* (۴: ۲۰) نیز هزاران گیاه دارویی درخت هوم سفید را احاطه کرده‌اند، محتمل است صفت شفابخشی و ارتباط آن با گیاهان دارویی دلیلی بر خاصیت دارویی این گیاه باشد.

بهترین پاداش از جانب ایزد هوم برای ستایش‌کننده خود دادن فرزند نیک است، به گونه‌ای که به چهار مردی که برای نخستین بار این گیاه را فشرده چهار فرزند عالیقدر عطا کرد: به ویونگهانت جمشید را بخشید؛ به آبتین فریدون را؛ به آئرت گرشاسب و به پوروشسب زرتشت را (یسنا ۹: ۴-۱۴). بر همین اساس او به کسی که به‌درستی او را ستایش کند فرزند نیکو می‌بخشد همچنان که دشمنان خود را به بی‌فرزند بودن و نداشتن

1. Radhakrishnan, S., *Indian Philosophy*, New York, London, 1956, vol. 1, p. 83.

۲. آموزگار، *اسطوره زندگی زرتشت*، ص ۸۳.

فرزند خوب نفرین می‌کند (یسنا ۱:۱۱، ۱۵:۱۰). در یسنای یازدهم (۴:۱۱) هوم کسانی که سهم او را از قربانی نمی‌دهند نفرین می‌کند. سهم او از قربانی آرواره، زبان و چشم چپ قربانی است که اهورامزدا آن را به پسر خود اختصاص داده است. بر طبق این هات هئومه پسر اهورامزدا است که همچون ایزد آسمانی، پدرش بخشی از قربانی را به او اختصاص داده است. به علاوه او خود همچون موبدی آسمانی در قربانی خود شرکت می‌کند. در «مهریشت» (۹۰) هوم پای کوه البرز خود را قربانی می‌کند: «... آن که همچون نخستین هاونن نوشابه هوم ستاره آذین مینوی را در پای کوه البرز نیاز کرد». با توجه به اشارات مذکور در *اوستای متأخر* مبنی بر این که هوم پسر اهورامزداست که قربانی می‌شود و به عنوان ایزد در نوشابه هوم حضور دارد و نیز به جهت اشاراتی که به واسطه هوم به مرگ و رستاخیز شده است، بویس آئین قربانی هوم را بی‌شبهت به آئین عشاء ربانی مسیحیان نمی‌داند، البته بر این باور است که با در نظر گرفتن همه جوانب، این دو آئین از دو مقوله جدا می‌باشند.^۱

از آنجا که هوم موبد آسمانی است باید مانند موبدان زمینی سهم خود را از قربانی دریافت کند. اختصاص دادن سهمی از قربانی به او سبب می‌شود که او از روح قربانی محافظت کند و روح حیوان قربانی را به جایگاه شایسته خود ببرد.^۲ اختصاص دادن سهمی از قربانی به هوم یادگار روزگار هند و ایران است، زیرا در هند نیز به همین طریق بخشی از قربانی به سومه اختصاص داشته است.^۳ این امر به قدری مهم است که غفلت از سهم هئومه از قربانی مجازاتی را در پی داشته است. از این رو، در یسنای یازدهم (۷) به دادن سهم پیشکشی هوم تشویق شده است زیرا در غیر این صورت او فرد خاطی را به بند می‌کشد همان گونه که افراسیاب تورانی را به بند کشید: «زود هوم دلیر را گوشت پیشکشی ببر تا ترا در بند نکشد همان گونه که افراسیاب تورانی را که در یک سوم ژرفای زمین میان دیواره‌های آهنین می‌زیست، به بند کشید». این بند در *شاهنامه* نیز بازتاب یافته است. در

۱. بویس، مری، *تاریخ کیش زرتشت*، ص ۲۳۰.

۲. هینلز، جان، ص ۵۱.

۳. بویس، مری، *تاریخ کیش زرتشت*، ص ۲۲۵.

آنجا هوم فردی است ساکن در کوه که بی اندازه قوی و نیرومند است و افراسیاب را با کمر بندش کور می‌کند.

مدی نظریه جالب و نسبتاً متفاوتی از هئومه / اوستا به دست می‌دهد. او هئومه / اوستا را پیامبری در ایران قدیم می‌داند که مردی پرهیزگار از دوره اول سلسله پشدادیان بود. مدی بنا بر یسنای نهم (۲۴-۲۷) و یسنای دهم (۲۴) عقیده دارد که هئومه مرد آموزش دیده‌ای بود که عمر خود را در کوه‌های البرز به تفکر الهی پرداخت و پیش از زرتشت دین را پذیرفت و با کرپن‌ها مخالفت کرد. به نظر مدی هوم اولین کسی بود که این گیاه را در هاون فشرده.^۱ برخلاف ویژگی‌های منسوب به هئومه که زیاد پیچیده به نظر نمی‌آید در ریگ ودا سومه با ویژگی‌های متنوعی توصیف شده است. او به صورت باران، ماه، رعد و برق، گاو نر و اسب مورد خطاب قرار می‌گیرد. شخصیت الهی سومه در ریگ ودا شخصیتی مبهم است، زیرا او ماهیتی چندگانه دارد. او خدای درخشان است که همچون خورشید می‌درخشد (۷:۴۸۸). درخشان بودن او و انتساب نورانی بودن به او سبب شده است که این خدا با ماه و خورشید یکی انگاشته شود. به همین جهت در بعضی از سرودهای ریگ ودا سومه آشکارا با ماه اینهمان است. در ریگ ودا (۱۳:۴۸۸) سومه به صورت خدای ماه در آسمان و زمین گسترده است و در کتاب نهم ریگ ودا (۷:۵،۹) سومه ماهی است که در آسمان می‌درخشد. در بر/همنه‌ها نیز این خدا با ماه یکی است. اگرچه پیوند ماه با سومه در چند قطعه از ریگ ودا آمده است؛ اما بعضی از محققان این پیوند را به مراحل بعدی پیشرفت دین ودایی و به سرودهای متأخر ودایی مربوطه می‌دانند. با این حال، بارث این پیوند را مربوط به دوران هند و اروپایی می‌داند.^۲ آلفرد هیلبرانت^۳ هم عقیده دارد که در دوره نخستین ودایی سومه و ماه یکی بودند.^۴ در مهابهارته سومه همان ماه است که قهرمان بزرگ و جد نژاد قهرمانان می‌باشد.

تشبیه ماه به سومه در قطعاتی از متون هندی، پژوهشگران را به تحقیق و نظریه‌پردازی واداشته است. بنا بر اسطوره ای که در تایتیرییه سامهتیه^۵ آمده است، ماه - سومه با سی و سه

1. Modi, Jivaj Jamshedji, pp. 506-507.

2. Eggeling, Julius, p. xii.

3. Alfred Hillebrandt

4. Hopkins, E. Washburn, p. 686.

5. Taittiriya Samhita

دختر خدای خالق، پرچاپتی، ازدواج کرد ولی به یکی از دختران او به نام رهینی^۱ توجه زیادی نشان داد. همین امر سبب شد که حسادت بقیه خواهران برانگیخته شود و نزد پدر خود برگردند و از پدر بخواهند که اگر سومه قول دهد با آنها به طور مساوی رفتار کند آنها دوباره به نزد او بازگردند. سومه قول می‌دهد ولی به عهد خود عمل نمی‌کند از این رو، با زوال و کاسته شدن مجازات می‌شود و به همین علت ماه تحلیل می‌رود.^۲ همچنین گفته‌اند که سومه ماهی است که با صورت‌های متنوع و تحلیل رفته خود در هنگام ماه نو، غذای خدایان و اجداد می‌شود و یا برای تجدید حیات گیاهان به زمین می‌آید.^۳ همچنین تصور بر این است که همانگونه که ماه باعث بالا آمدن آب دریا می‌شود سومه نیز بنا بر گفته راداکریشنان موجب ارتقا روح و حالتی مافوق طبیعی می‌گردد.

سومه با خورشید نیز مرتبط است. از میان سرودهایی که به این ارتباط اشاره دارد می‌توان به کتاب دهم ریگ ودا (۱۲۵:۸۵، ۱۰) اشاره کرد که بر طبق آن سومه با دختر سوریه ازدواج می‌کند در کتاب نهم ریگ ودا (۱۱۳:۸) دختر سوریه، گاو نر را که همان سومه است به واسطه ابر پرورش می‌دهد. دوباره در همین کتاب (۹:۱) دختر خورشید شیره پاک را با غربالی که از پشم بافته شده صاف می‌کند. در اینجا ظاهراً غربال نماد ابرهاست و سومه باران است که از آن بیرون می‌آید. بر طبق این بندها و چند قطعه دیگر در ریگ ودا سومه دقیقاً مفهوم باران را به ذهن می‌آورد که بارزترین تشبیه آن تشبیه به گاو نر است. در اوستا نشانی از تشبیه هوم به گاو وجود ندارد ولی در یسنای دهم (۱۴) نوشیدنی هئومه به گاو نر تشبیه شده است: «می‌گویند آنان که هوم را نوشیده‌اند به دلخواه خویش همچون گاو درفش در جنبش می‌باشند.» احتمالاً این تشبیه در این بند به جهت تأثیر شراب هوم در ایجاد قدرت و نیروی زیاد، همچون گاو، می‌باشد.

اگرچه در چندین سرود از ریگ ودا، همان طور که در بالا بیان شد، به نظر می‌رسد سومه همان باران است، اما برگاینه^۴ معتقد است که باران نماینده سومه نیست؛ بلکه این آذرخش است که نماینده سومه می‌باشد.^۵ البته سرودهایی هم که در آنها سومه همان

-
1. Rohini
 2. Hopkins, E. Washburn, p. 686.
 3. Eggeling, Julius, p. xiv.
 4. Bergaigne
 5. Eggeling, Julius, p. xix.

آذرخش است در ریگ ود/ وجود دارد. مثلاً در کتاب هشتم ریگ ود (۷۶:۹) سومه قدرت سلاح ایندره می‌باشد. این سرود و امثال آن موجب شده است که محققینی مانند برگاینه، سومه را با «وَجْرَه» که همان صاعقه و سلاح ایندره می‌باشد یکی بدانند. در ریگ ود/ (۴:۱۰۴،۷) ایندره و سومه تیرهای مرگ آور سنگی خود را پایین می‌فرستند که احتمالاً در اینجا این تیرها همان رعد و برق است که سلاح ایندره و سومه است.

علاوه بر اینها گروهی از محققان به سبب ارتباط میان سومه و ایندره و ویژگی‌های مشترک منسوب به این دو در ریگ ود/، سومه را همان ایندره می‌دانند. در ریگ ود/ (۱۷:۱۰۴،۷) ایندره و سومه هر دو به گاو نر تشبیه می‌شوند و هر دو با هم دشمنان را نابود می‌کنند. افزون بر این، به سومه نیز مانند ایندره لقب کشنده ورتیره که همان دیو خشکسالی است داده‌اند (ریگ ود/ ۱۱:۹۷،۹). شاید علت این که سومه خود کشنده اهریمن می‌باشد این است که او نیروی جنگیدن با دشمن را به ایندره می‌دهد و به همین دلیل در اصل سومه خودش کشنده اهریمن است. این قبیل سرودها که مبتنی بر ارتباط نزدیک سومه و ایندره می‌باشد موجب شده که بعضی ایندره را همان سومه بدانند.

دیگر ویژگی‌هایی که در ریگ ود/ به سومه نسبت داده شده عبارتند از: بخشنده حیات جاودان (۱۷:۱۱۳،۹)، نشاط‌بخش (۳۷:۷)، بخشنده قدرت به جنگجویان (۵۷:۳۱،۹)، آورنده گنجینه آسمانی^۱ (۶۹:۵۷،۹)، روشنایی‌بخش (۶۷:۳۵،۹)، حافظ قانون (۱:۷،۹). او فرزند آبها (۱۱:۹۷،۹)، فرزند جوان و سرخ آسمان (۱۰۸:۱۵۷،۱۰) و نیز فرزند آسمان و زمین (۳:۹،۹) است. پرستندگان او از او ثروت، نزول باران، برکت و پیروزی بر دشمنان را می‌خواهند (۸-۶:۸،۹). همچنین در سرودهای ریگ ود/ راجع به سومه گاهی تشبیهاتی مانند پدر مهربان و دوستی خردمند (۵:۴۸،۸) به کار رفته است. البته این نکته را نیز باید افزود که دقیقاً نمی‌توان برای سرودهای مربوط به سومه در ریگ ود/ مرزی تعیین کرد که آیا این سرود خطاب به ایزد سومه است یا شراب سومه. در بعضی از سرودها سومه به گونه‌ای مخاطب واقع می‌شود که هر دو تصور را به ذهن می‌آورد.

۱. احتمالاً گنجینه‌های آسمانی همان باران است.

نتیجه گیری

خلاصه کلام این که در روزگار کهن آئین هوم در ایران و آئین سومه در هند به عنوان آیین محوری بسیار مورد توجه بوده است. حتی با توجه به شمار زیادی از سرودهای ریگ و د/ که خطاب به سومه آمده است می توان گفت توجه برهمنان و هندوان به آئین سومه بیش از توجه موبدان و زرتشتیان به این آئین در ایران بوده است. از قطعات مربوط به این گیاه مقدس می توان نتیجه گرفت که صورت اولیه سومه / هئومه، صورت گیاهی آن بوده است. در مرحله بعد منزلت و جایگاه این گیاه و آئین مربوط به آن سبب شد که مفهوم ایزدی آن در تصور و اندیشه هند و ایرانیان جایگاه خود را پیدا کند. سومه هندی و هئومه ایرانی که روزگاری در میان هند و ایرانیان از محبوبیت زیادی برخوردار بود و در میان آنها حضوری واقعی داشت، امروزه تنها در متون مقدس هندی و ایرانی جای دارد و اطلاعات پژوهشگران متأخر از این گیاه آئینی تنها براساس شواهد موجود در این متون است. هرچند که به نظر می رسد لذت شراب هئومه هیچ گاه از ذهن ایرانیان برای همیشه پاک نشد و ما می توانیم جای پای آن را در آثار ادبی و در قالب اصطلاحاتی همچون می و شراب که از عناصر محوری غزل عرفانی است ببینیم.

منابع

- اوستا: کهن ترین سرودها و متن های ایرانی، به کوشش جلیل دوستخواه، تهران، انتشارات مروارید، ۱۳۷۴.
- آموزگار، ژاله، تفضلی، احمد، اسطوره زندگی زرتشت، تهران، نشر چشمه، ۱۳۸۶.
- بندهشن، گزارش فرنیغ دادگی، ترجمه مهرداد بهار، تهران، انتشارات توس، ۱۳۶۹.
- بویس، مری، تاریخ کیش زرتشت، ترجمه همایون صنعتی زاده، تهران، انتشارات توس، ۱۳۷۵.
- ریگ و د/، به کوشش محمدرضا جلالی نائینی، تهران، نشر نقره، ۱۳۷۲.
- زهر، آر. سی، طلوع و غروب زرتشتیگری، ترجمه همایون قادری، تهران، نشر فکر روز، ۱۳۷۵.
- کلنز، ژان، مقالاتی در مورد زرتشت و دین زرتشتی، ترجمه احمدرضا قائم مقامی، تهران، نشر فروزان، ۱۳۸۶.
- مینوی خرد، به کوشش احمد تفضلی، تهران، انتشارات توس، ۱۳۶۸.

- هینلز، جان، *شناخت اساطیر ایران*، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران، نشر چشمه، ۱۳۸۶.

- Boyce, Mary, "Homa", *Encyclopedia Iranica*, Ehsan Yarshater (ed.), New York, 2003, vol.11,
- Eggeling, Julius, "Introduction", *The Sacred Books of the East, Śatapatha-Brāhmana*, Max Müller (ed.), Oxford, 1882.
- Eliade, Mircea, *A History of Religious Ideas*, Chicago, 1907, vol.1
- Gnoli, Gherardo, "Homa", *The Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, London, 1987, vol.6,
- Hopkins, E. Washburn, "Soma", *Encyclopedia of Religion and Ethics*, James Hastings (ed.), Edinburg, New York, 1980, vol.11,
- *Hymns of R̥g veda*, Ralph T. H. Griffith (trans.), Delhi, Mushriam Manoharlal Publishers, 1999, vol.1,
- Mahony, K. William, "Soma", *The Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, London, 1987, vol.13
- Modi, Jivaj Jamshedji, "Homa", *Encyclopedia of Religion and Ethics*, James Hastings (ed.), Edinburg, New York, 1980, vol.6
- Radhakrishnan, S., *Indian Philosophy*, New York, London, 1956, vol.1,
- *Śatapatha-Brāhmana*, Julius Eggeling (trans.), in *The Sacred Books of the East*, Max Müller (ed.), Oxford, 1882, vol. 26.
- Tailieu, Dieter, "Homa", *Encyclopedia Iranica*, Ehsan Yarshater (ed.), New York, 2003, vol.11,